

بررسی واژه شناختی «نصاری» و «انجیل» در قرآن

لوحی فتوحی و شتا درغازلی
ترجمه سید مصطفی احمدزاده

مقدمه

قرآن و انجیل در موضوعات چندی در مورد عیسی مسیح اتفاق نظر دارند. مثلاً هر دو کتاب، تأکید می کنند که عیسی به صورت معجزه آسایی از مادرش مریم متولد شده است و پدر ندارد. قرآن در مورد تولد معجزه آمیز عیسی می فرماید:

«إذ قالت الملائكة يا مريم إن الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح عيسى ابن مريم وجيهاً فى الدنيا و الآخرة و من المقربين. و يكلم الناس فى المهد و كهلاً و من الصالحين. قالت رب أنى يكون لى ولد و لم يمسنى بشر قال كذلك الله يخلق ما يشاء إذا قضى أمراً فإنما يقول له كن فيكون. و يعلمه الكتاب و الحكمة و التوراه و الإنجيل»

آل عمران/۴۵-۴۸

چنین بود که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه خویش که نامش عیسی مسیح فرزند مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان (الهی) است، بشارت می دهد. او در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن می گوید و از شایستگان است. [مریم] گفت پروردگارا چگونه مرا فرزندی باشد، حال آنکه دست هیچ بشری به من نرسیده است؛ گفت خداوند بدین سان هر چه را بخواهد می آفریند؛ [او] چون اراده او به کاری تعلق گرفت، به آن می گوید موجود شو، و بی درنگ موجود می شود. و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد.

انجیل به روایت متی این گونه بیان می کند:

«واقعه تولد عیسی مسیح بدین شرح است: مریم، مادر عیسی که در عقد یوسف بود، قبل از ازدواج با او بوسیله روح پاک خدا آبستن شد (۱۸) یوسف که سخت پای بند اصول اخلاق بود، تصمیم گرفت نامزدی اش را به هم بزند، ولی خواست بی سروصدا این کار را بکند تا آبروی مریم نرود. (۱۹) همین طور که در این افکار غوطه ور بود به خواب رفت. در خواب فرشته ای را دید که به او می گفت: یوسف، پسر داود، از ازدواج با مریم نگران نباش. آن بچه ای که در رحم او هست از روح پاک خداست. (۲۰) مریم پسری می زاید، و تو اسم او را عیسی (یعنی نجات دهنده) می گذاری، چون او قوم خود را از گناهان شان آزاد خواهد کرد. (۲۱)» (متی، ۱/۲۱-۱۸)

همچنین هر دو کتاب به معجزات عیسی (ع) پرداخته اند؛ اما در ذکر جزئیات و معجزات هم داستان نیستند؛ مثلاً از یک سو در انجیل از «صحبت کردن حضرت عیسی در کودکی درون گهواره» یا «آفرینش پرندگان از خاک» سخنی به میان نیامده است:

«إذ قال الله يا عيسى ابن مريم اذكر نعمتى عليك و على والدتك إذ أيدتك بروح القدس تكلم الناس فى المهد و كهلاً و إذ علمتك الكتاب و الحكمة و التوراه و الإنجيل و إذ تخلق من الطين كهيئته الطير بإذنى فتنفخ فيها فتكون طيراً بإذنى و تبرئ الأكمه و الأبرص بإذنى و إذ تخرج الموتى بإذنى و إذ

كففت بنى اسرائيل عنك إذ جئتهم بالبينات فقال الذين كفروا منهم إن هذا إلا سحر مبين»
مائدة/ ۱۱۰

چنین بود که خداوند گفت ای عیسی بن مریم، نعمتم را بر خود و بر مادرت به یادآور که تو را به روح القدس یاری دادم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی؛ و یاد کن که به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم؛ و یاد کن که به اذن من از گل چیزی به هیأت پرنده می ساختی و در آن می دمیدی و آن به اذن من پرنده [ای جاندار] می شد و به اذن من نابینای مادرزاد و پیس را بهبود می بخشیدی، و یاد کن که مردگان را به اذن من زنده [از گور] بیرون می آوردی؛ و یاد کن که چون برای بنی اسرائیل معجزاتی آوردی [آسیب و آزار] آنان را از تو بازداشتم، آن گاه کفرپیشگان ایشان می گفتند: این جز جادوی آشکار نیست.

از سوی دیگر، انجیل نیز به معجزاتی اشاره کرده که در قرآن نیامده است، مانند «تبدیل کردن آب به شراب توسط حضرت عیسی(ع)»:

«دو روز بعد، مادر عیسی در یک جشن عروسی در دهکده قانا در جلیل مهمان بود. (۱) عیسی و شاگردان او هم به عروسی دعوت شده بودند. (۲) در وسط جشن، شراب تمام شد. مادر عیسی با نگرانی پیش او آمد و گفت: «شرابشان تمام شده است.» (۳) عیسی فرمود: من حالا نمی توانم کاری بکنم، چون هنوز وقتش نیست معجزه کنم (۴) با این حال، مادر عیسی به خدمتکاران گفت: هر دستوری به شما می دهد اطاعت کنید. (۵) در آنجا شش خمره سنگی بود که فقط در مراسم مذهبی از آن استفاده می شد و هر کدام در حدود ۱۰۰ لیتر آب می گرفت، (۶) عیسی به خدمتکاران فرمود: این خمره ها را پر از آب کنید. (۷) وقتی پر کردند، فرمود: حالا کمی از آن را بردارید و پیش کدخدا ببرید. (۸) وقتی کدخدا آن آب را که شراب شده بود چشید، داماد را صدا زد و گفت: چه شراب عالی! مثل اینکه شما با دیگران خیلی فرق دارید، چون معمولاً در جشنها، اول با شراب خوب از مهمانها پذیرایی می کنند و بعد که همه سرشان گرم شد شراب ارزان تر را می آورند. (۹) ولی شما شراب خوب را برای آخر نگه داشتید. (۱۰)»

(یوحنا، ۱۰/۲-۱)

با توجه به این حقیقت که در قرآن همه انواع شرابها حرام است، قرآن بی هیچ چون و چرایی معجزه اخیر - تبدیل آب به شراب - را رد می کند.

در حالی که شباهتهای واضحی بین تصویر عیسی(ع) در قرآن و انجیل وجود دارد؛ در حقیقت، اختلافات بین گزارشهای هر دو کتاب بنیادی و اساسی است و مهم تر از آن جزئیاتی است که بین هر دو کتاب مشترک است. یکی از آن اختلافات اساسی این است که عیسیای قرآن، انسانی است که از جانب خداوند به او وحی شده است، در حالی که عیسیای انجیل، طبیعت و منشأ الهی دارد و از وی با عنوان «پسر خدا» یاد می شود.

جای شگفتی نیست که مورخان و متکلمان غربی گرایش شدیدی به عیسیای انجیل نشان داده اند، اما برای مطالعه عیسیای قرآنی وقت و کوشش اندکی اختصاص داده اند. یک دلیل روشن آن، این است که بر اساس عقیده ای رایج بر این باور بودند که قرآن ارزش تاریخی ندارد، و آن را یک برداشت آزاد از انجیل تلقی می کردند. بنابراین، اگر چه مورخان بسیار تلاش کرده اند تا عیسیای انجیلی را بر اساس تاریخ مستندی گزارش کنند، اما هرگز به کمک جستن از قرآن مغفول نیندیشیدند.

پژوهش حاضر، سعی دارد تا این وضعیت را بهبود بخشد و در جهت اصلاح آن گام بردارد. در اینجا قصد داریم به بررسی تفاوت‌های میان داستان عیسی(ع) در قرآن و مشابه اش در انجیل بپردازیم، بویژه تفاوت‌هایی که مورد بی توجهی یا غفلت واقع شده اند. ابتدا به ریشه شناسی واژه «نصارا» می پردازیم. هدف نهایی این است که عوارض تاریخی بسیار مهم اختلاف بین داستان قرآنی عیسی و همتای انجیلی اش را آشکار سازیم. همچنین ریشه شناسی واژه «انجیل» را که نسبت به واژه «نصارا» از دشواری کمتری برخوردار است، مورد مطالعه قرار خواهیم داد. در پایان، یادآور واقعه تاریخی ای خواهیم شد که اناجیل به عنوان «شام آخر» وارونه جلوه اش داده اند.

۱. ریشه شناسی «نصارا»

در متن یونانی انجیل، عیسی **Nacapaaios** نازیوس (**Nazorios**) یا **Nacapnvos** نزارنوس (**Nazarenos**) نامیده شده است. در انگلیسی هر دو واژه به (**Nazarene**) ترجمه شده اند. اولین شکل نام یونانی عیسی فقط در انجیل یوحنا (۹/۱۹ و ۷/۱۸ و ۵/۱۸) و در کتاب اعمال (۲۲/۸ و ۶/۱۴ و ۴/۱۰ و ۳/۶ و ۲/۲۲) به کار رفته است و به نظر می رسد در متی (۲۴/۷۱ و ۲/۲۳) و نیز در لوقا (۱۸/۳۷) ترجیح داده شده است. اما مرقس (**Mark**) پیوسته شکل دوم نام عیسی را به کار می برد (۱۶/۶ و ۱۴/۶۷ و ۱/۲۴ و **Mark**) که در لوقا (۲۴/۱۹ و ۴/۳۴) نیز این نام آمده است. اولین نام نیز یک بار در کتاب اعمال (۲۴/۵) به کار رفته است و به مسیحیان اشاره می کند؛ آنجا که خطیب تروتولوس (**Tertullus**)، به پولس (**Paul**) تهمت می زند که «سر حلقه فرقه نصارا» است. به عقیده نویسنده انجیل متی، نام عیسی - نصارا - از نام شهری مشتق شده است که عیسی در آن بزرگ شده است؛ یعنی «ناصره».

«و در شهر ناصره ساکن شد. باز در اینجا پیشگویی که به وسیله پیغمبران شده بود جامه عمل پوشید که: «او ناصری خوانده خواهد شد» (متی، ۲/۲۳).

در واقع، در حالی که گاهی اوقات **Nacapaaios** و **Nacapnvos** به **Nazarene** ترجمه می شوند، و بعضی اوقات دیگر به «اهل ناصره» ترجمه می شوند.

برخی محققان، ریشه شناسی متایی نصاری را پذیرفته اند (مثل **Pellett**، 525/1962؛ **Allison** و **Davies**)، اما مشکل زبانی ریشه شناسی یادشده را نیز خاطر نشان ساخته اند. برخی پژوهشگران گفته اند اشتقاق **Nacapnvos** از **Nacape** مشکل آفرین نیست، اما اشتقاق همان واژه از **Nacapaaios** درست نیست. دایرة المعارف بریتانیکا در مدخل «نصارا» بیان می دارد که معنای دقیق همین نام «معلوم» است. اما ادعا کرده است که به رغم اشکال یادشده بعید نیست که کلمه نخست از کلمه دوم مشتق شده باشد. (مثل **Moore**، 428/1920؛ **Allison** و **Davies**). کلمان (**Cullmanne**) نیز خاطر نشان ساخته است که املا نام شهر عیسی در متون مقدس تفاوت دارد. از این رو حقیقتاً ممکن نیست اشتقاق یادشده را قابل قبول بدانیم؛ اگر چه او بر نظریه خود پافشاری می کرد، برای این سؤال که «چگونه در یونانی شکل نامتعارف **Nacapaaios** جایگاهش را حفظ کرد و همواره در کنار شکل ساده **Nacapnvos** - که بعد از همه شکل‌های دیگر پدید آمد - در دسترس بود؟ پاسخی روشن نیافت.» (کلمان، ۱۹۶۲/۵۲۳).

دلایل متقن دیگری وجود دارد تا این ادعا را رد کند که عیسی با نامی شناخته شده که به معنی «اهل ناصره» است، و آن اینکه متی چگونه واژه نصارا را فهمید. «ناصره» اولین بار در انجیل آمده است و منبع مستقل قدیمی تری که مخصوصاً در آن از این شهر یاد شده باشد در دست نیست. در عهد عتیق در تلمود از این شهر سخنی به میان نیامده است. غیر از انجیل، قدیمی ترین یاد کرد «ناصره» به CE Julius Africanus (240-170) بر می گردد که توسط اسقف و مورخ یوسیبوس اهل قیصریه (متوفای حدود ۳۴۰ میلادی) به عنوان شاهد ارائه شده است. محققان به طور معمول پذیرفته اند که علت عدم ذکر نام «ناصره» در گزارشهای تاریخی قدیمی آن است که شهر ناصره شهری کوچک و بی اهمیت بوده است. (مثل ۱۹۲۰/۴۲۹ Moore و ۱۹۶۲/۵۲۴ Pellett).

بر اساس کاوشهای باستان شناسی تخمین زده می شود که جمعیت ناصره در زمان عیسی بین دو تا پنج هزار بوده است. (Theissen و Mertz، ۱۹۸۸/۱۹۵). این تخمین کاملاً ممکن به نظر می رسد. اما سؤالی که اینجا مطرح می شود آن است که اگر ناصره شهری بدین پایه بی اهمیت بود چرا برخی کوشیده اند تا عیسی را با آن مرتبط سازند؟ به هر روی، هیچ شخصی به دلیل ارتباطش با محلی که به اندازه همان شخص ناشناخته است، معرفی نشده است!

مشکل این است که نمی توان عیسی را با یک شهر بی اهمیتی مثل ناصره مرتبط دانست، بلکه هر برداشت کلی که طبق آن نام شهری به عیسی داده شود - حتی اگر یک شهر بزرگ و عمده باشد - باز مشکل ساز است. دیویس (Davies) و آلیسون (Allison) (281/1988) اشاره کرده اند که رسم رایجی در میان یهودیان بود که اشخاص بر اساس محل تولدشان شناخته می شدند. اما عیسی به هیچ وجه یک شخص عادی نبوده است تا این رسم بر او جاری شود. عیسی نمی تواند به نام شهری که در آن بزرگ شده بود یا جایی که در آن مشهور شده بود نامیده بشود. زیرا او از زمان نوزادی اش و بعد از تولد معجزه آمیز و غیرعادی اش دو نام منحصر به فرد پیدا کرد. این مسلّم است که عیسی به اسمی نامیده می شد که خاطره تولد منحصر به فردش را در ذهن مردم جای می داد. این مطلب در واقع همان چیزی است که قرآن می گوید اتفاق افتاده است.

بر پایه مراد قرآن، فرشتگان گفتند به مردم که پسرش به عنوان «المسیح»، «عیسی» و «ابن مریم» مشهور خواهد شد:

«إذ قالت الملائكة يا مريم إن الله يبشرك بكلمة منه اسمه عيسى ابن مريم وجيهاً في الدنيا و الآخرة و من المقربين» آل عمران/۴۵

چنین بود که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه خویش که نامش عیسی مسیح فرزند مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [الهی] است، بشارت می دهد.

در بیشتر موارد قرآن، «مسیح» با نام دوم عیسی «ابن مریم» ذکر شده است. ما در اینجا نگاه خود را به نام «ابن مریم» که در قرآن در برابر «مسیح» آمده است، معطوف خواهیم کرد. اگر چه «مسیح» نیز نام مهمی برای عیسی است، اما پاسخ به این سؤال که چرا همراه با «ابن مریم» در قرآن آمده است از حوصله این پژوهش خارج است. در حالی که در قرآن نام او «عیسی» و لقب او «ابن مریم» و «مسیح» آمده است، قرآن از این پیامبر با نامی که نظیر «نصارا» باشد - همچنان که انجیل آورده است - یا نامی که عیسی را به شهر خاصی مرتبط سازد، هرگز یاد نکرده است.

عیسی به عنوان پسرمریم از زمان تولدش مشهور شد، زیرا او بدون پدر متولد شده بود. ماهیت تولد عیسی باعث شده است که مردم هنگام اشاره به عیسی ناگزیر از نام «ابن مریم» استفاده کنند. عیسی از همان روزهای نخستین عمر خود نامهای معروف بسیاری داشت. با توجه به این نکته روشن می شود که در مراحل بعدی زندگی اش نیازی به نام گذاری برای وی نبود. نیز دلیلی نداشته است که برای عیسی نام جدیدی وضع گردد؛ حتی هنگامی که دامنه اخبار مربوط به معجزات وی گسترش یافت؛ زیرا پیش از این نامهای سابقش بر بزرگ ترین معجزه وی در زندگی اش اشاره دارند. حتی بی معنی تر به نظر می رسد که نام منحصر به فرد «ابن مریم» جایگزین اسم عمومی عیسی شود که تنها او را به یک مکان خاص مرتبط می سازد.

هر شخصی از اهل آن شهر، می توانست بدین شیوه - به نام مادرش - نامیده شود، اما فقط به عیسی نامی داده شده که از معنایی بیانگر تولد او بدون پدر، اشتقاق یافته است. از این گذشته، به هیچ وجه منطقی به نظر نمی رسد که بگوییم پیروان عیسی نام مشهور و معنی دار «ابن مریم» را با نامی بی احساس، مبهم، خنثی، و بی طرفانه که فقط عیسی را به یک شهر مرتبط می سازد و بدیهی است که معنایی کم اهمیت دارد جایگزین کرده باشند. بنابراین، گفته انجیل مبنی بر اینکه نام عیسی از «ناصره» گرفته شده، نامعقول و نادرست است.

اما چگونه می توان علت وجود نداشتن نام تاریخی عیسی «ابن مریم» را در انجیل بیان کرد؟ همان نامی که در قرآن آمده است. بله، این گونه نیست که انجیل کاملاً از نام «ابن مریم» عاری باشد، زیرا انجیل این نام را در شکلی تحریف شده می پذیرد. نام درست «ابن مریم» منشأ نام غلط «پسر انسان» در انجیل است. اما چرا این تحریف در انجیل رخ داده است؟ در واقع، چگونه این مطلب منطقی خواهد بود که شخصی را پسر انسان بخوانیم، در حالی که هر انسانی پسر انسان است و کدام عقل سلیم این مطلب را خواهد پذیرفت. این لقب بیشتر در پی آن بود که هدف ظریف تری را دنبال کند تا اینکه صرفاً به عیسی اشاره کند. کسانی که این اصطلاح «پسر انسان» را جعل کردند، هدفشان تأکید بر این بود که به طبیعت دو سویه عیسی به عنوان پسر انسان و پسر خدا پی برده اند. وضع کنندگان نام «پسرانسان»، با این نام، تلویحاً بر نام دومی که مردم به عیسی دادند - «پسر خدا» - تأکید کردند. واقعاً نام «ابن مریم» نام منحصر به فردی است که تنها به عیسی اشاره داشته و دارد، اما مبدعان نام «پسر انسان» بیشتر در پی چیزهایی بودند که به «پسر خدا» اشاره کند تا به «عیسی».

مجموع ادعای انجیل که عیسی با نام «نصارا» شناخته شده بود و ریشه شناسی متایی این واژه مشکل ناگشودنی دیگری نیز دارد. ما پیش از این یادآوری کردیم که کتاب اعمال (۵:۲۴) به علاوه نویسندگان بعد، جمع کلمه «نصارا» را برای اشاره به پیروان عیسی (ع) به کار می بردند. اکنون حتی اگر ما بپذیریم که عیسی چون در ناصره زندگی می کرد «نصارا» نامیده شد، بی شک منطقی نخواهد بود که این واژه را آن چنان توسعه دهیم تا پیروان او را که از سرزمین های مختلف آمده بودند نیز دربرگیرد. بدیهی است که پیروان نصارا - در مفهوم متایی این واژه - خودشان نصارا نشدند! کلمان به سهم خود به این نکته توجه کرده است که اگر نصارا به معنی «شخصی از ناصره» - همچنان که متی معتقد است - باشد، پس اگر [مسیحیان] عبارتی مثل «مردی از ناصره» را به کار می بردند، بی شک غیرمتعارف بود (کلمان، ۱۹۶۲/۵۲۳).

بنابراین، قبول ریشه شناسی متایی واژه نصارا به عنوان نام عیسی آن قدر از احتیاط به دور است که دیوید و آلیسون نیز آن را نپذیرفته اند (۱۹۸۲/۲۸۱).

نویسنده انجیل متی در مورد اشتقاق نصاری از ناصره، این پیشگویی را از تورات نقل می کند: «پس یوسف بی درنگ با بچه و مادرش به اسرائیل برگشت. (۲۱) ولی در راه وقتی شنید که پسر هیرودیس، آژکلئوس، جانشین پدرش شده و در یهودیه سلطنت می کند، ترسید. باز در عالم خواب به او وحی رسید که به یهودیه نرود، پس او به استان جلیل رفت (۲۲) و در شهر ناصره ساکن شد. باز در اینجا پیشگویی که به وسیله پیغمبران شده بود جامه عمل پوشید که: «او ناصری خوانده خواهد شد (۲۳).» (متی ۲۳/۲-۲۱)

در واقع، نویسنده انجیل از سطح یک مورخ موثق و شایسته نیز پایین تر است، زیرا دلیل پیش پا افتاده او بر پایه پیشگویی است که نقل می کند؛ در صورتی که این پیشگویی در هیچ جای تورات نیامده است.

این خبر دروغ، اعتبار ریشه شناسی خاصی را تضعیف می کند. حتی با چشم پوشی از تمام مشکلات بالا نسبت به اشتقاق نصارا از ناصره، این اشتیاق هنوز در معرض اتهام است، زیرا اصل و اساس ندارد. با توجه به تعداد ریشه های ممکن دیگر، واقعاً هیچ دلیلی در دست نیست تا قبول کنیم که نصاری از ناصره مشتق شده باشد. (به طور مثال بنگرید به احتمالات جمع شده توسط دیوید و آلیسون، ۱۹۸۸).

اما نتیجه مهم دیگری نیز از نقل قول متی - عبارت ساختگی به سبک انجیل - به دست می آوریم. رندل هلمز (۱۹۸۹) نشان داده است که نویسندگان انجیل از هیچ تلاشی در ارتباط دادن عبارات انجیل با حوادث زندگی عیسی فرو گذار نکرده اند تا بیان کنند که عیسی به وحی های انجیل، عامل بود. اما این طرز نگرش آن قدر قاطع بود که در خود انجیل، تاریخ عیسی نوشته شده بود تا عیسی را به عنوان مظهر گفته ها و خبرهای انجیل قدیمی به تصویر بکشد. این بیان می کند که در مورد بحث ما دگرسانی روی داده است. به عبارت دیگر، از آنجا که نام نصاری قبلاً رایج بود، چیزی که نویسنده انجیل نیاز داشت اختراع کند عبارتی معادل آن از عهد عتیق بود، و او نیز دقیقاً همان کار را انجام داد. امروزه، این حقیقت پذیرفته است که هیچ مدرکی در دست نیست تا نام نصاری را به نام شهر ناصره مرتبط کند. نیز دلیل بسیار محکمی در مقابل چنین اشتقاقی وجود دارد. جالب است که قرآن چهارده قرن پیش از این، بیان کرده که اشتقاق نصاری از ناصره اشتباه است. نیز ریشه شناسی کاملاً متفاوتی برای نصاری ارائه کرده است. علاوه بر این، در قرآن کاملاً روشن است که نصاری نامی برای عیسی نبوده بلکه نام پیروان عیسی بوده است. حتی محققانی که نسبت به دیگران به ارتباط بین نصاری و ناصره معتقدند، نظر خود را بر پایه این فرض اشتباه بنا کرده اند که نصاری نام عیسی بود، در صورتی که هرگز چنین نبود، بلکه عیسی فقط به «ابن مریم» و «مسیح» معروف بود.

واژه های قرآنی همگون با «نصاری» و «ناصری ها» به ترتیب «نصرانی» و «نصارا» هستند. وضع شکل‌های مفرد و شکل‌های جمع این واژه و یا گنجاندن آنها در زبان عربی، از سوی قرآن و در زمان نزول آن، انجام نگرفته است. پیش از قرآن برای اشاره به مسیحیان، از این واژه ها استفاده می شد. در عربی، این اصطلاحات، معنایی بیش از این را به ذهن متبادر نمی سازند. روشن است که شکل‌های مفرد و جمع این واژه با یکدیگر ارتباط دارند. نتیجه اینکه، به کارگیری واژه های نصرانی و نصارا از

سوی اعراب، یا نشانگر آن است که این واژه ها همان گونه که قرآن نشان داده وجود داشته است، یا شکل توسعه یافته واژه های غیرعربی قدیمی است. قرآن بدون هیچ شرح و توضیحی نام «نصرانی / نصارا» را برای مسیحیان به کار برده است و بسیار مشکل بوده است تا معنی و منشأ آن را تعقیب کند. خوشبختانه دو دسته آیات - که هر دسته از دو آیه تشکیل می شود - در قرآن آمده است که روشن شدن معنای واژه «نصرانی / نصارا» در گرو جمع آن آیات است.

واژه «نصارا» در چند آیه قرآن آمده است. دو آیه از این آیات به پیروان عیسی اشاره می کند، بدین عبارت: «آنان که گفتند ما نصارا هستیم»:

«و من الذین قالوا إنا نصاری أخذنا میثاقهم فنسوا حظاً مما ذكروا به فأغرینا بینهم العداوة و البغضاء إلی یوم القیامة و سوف ینبئهم الله بما كانوا یصنعون» مائده/۱۴

و از کسانی که گفتند ما نصارا هستیم پیمان گرفتیم، آن گاه بخشی از آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، سپس بین ایشان تا روز قیامت دشمنی و کینه انداختیم؛ و خداوند به زودی آنان را به [نتیجه] آنچه کرده اند، آگاه می سازد.

«لتجدنَّ أشدَّ الناس عداوةً للذین آمنوا الیهود و الذین أشركوا و لتجدنَّ أقربهم مودةً للذین آمنوا الذین قالوا إنا نصاری ذلک بأن منهم قستیسین و رهباناً و أنهم لا یتکبرون» مائده/۸۲

یهودیان و مشرکان را دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان [مسلمانان] می یابی؛ همچنین مهربان ترین مردم را نسبت به مؤمنان [مسلمانان] کسانی می یابی که می گویند ما نصارا هستیم؛ این بدان است که در میان ایشان کشیشان و راهبان [حق پرست] هستند و نیز از آن روی است که کبر نمی ورزند.

اینکه مسیحیان در عباراتی این چنین به نصارا بودن خود تصریح کرده اند، در حقیقت ناشی از رویداد خاصی است که برای عیسی و حواری اش اتفاق افتاده است که قرآن در آیات زیر شرح می دهد:

«فلما أحسَّ عیسی منهم الکفر قال من أنصاری إلی الله قال الحواریون نحن أنصارالله آمنا بالله و اشهد بأننا مسلمون» آل عمران/۵۲

سپس هنگامی که عیسی به کفر آنان پی برد، گفت انصار و یاوران من در راه خداوند کیستند؟ حواریون گفتند ما انصار و یاوران [دین] الهی هستیم، به خداوند ایمان آورده ایم و گواه باش که ما فرمان برداریم.

«یا ایها الذین آمنوا کونوا أنصار الله کما قال عیسی ابن مریم للحواریین من أنصاری إلی الله قال الحواریون نحن أنصارالله فآمنت طائفة من بنی اسرائیل و کفرت طائفة فأیدنا الذین آمنوا علی عدوهم فأصبحوا ظاهرین» صف/۱۴

ای مؤمنان، یاوران [دین] خدا باشید، چنان که عیسی بن مریم به حواریون گفت چه کسانی در راه دین خدا انصار و یاوران منند؟ حواریون گفتند ما یاوران [دین] خداوندیم؛ سپس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی [انکار و] کفر ورزیدند؛ آن گاه مؤمنان را در برابر دشمنشان یاری دادیم، و پیروز گردیدند.

روشن است که نظیر «نصارا» در عربی قرآن «انصار» است. فعل «انصار»؛ «نَصَرَ» است که به معنای «حمایت کردن، کمک کردن، یاری رساندن و پشتیبانی کردن» است. بنابراین، «انصار» به معنای

«یاران» است. دو آیه بالا جوّ دینی و معنایی ویژه «انصار» را نشان می دهد. هنگامی که این واژه برای اشاره به مسیحیان به کار می رود. واژه «انصار» که در سیاق پاسخ مسیحیان «انصار عیسی در راه خدا» وجود دارد، نهایتاً به معنای «یاران و انصار الله» است که عیسی مردم را به سوی آن فرا می خواند.

شبهه فعل «نصارا» در چند آیه قرآن آمده است که به پیروان حضرت محمد اشاره دارد. به طور مثال، در دو آیه زیر، ابتدا مهاجران را - کسانی که از شهرهاشان برای پیروی از حضرت محمد(ص) که خود از آزار و اذیت گریخته بود، مهاجرت کرده بودند - «یاری کنندگان خدا و رسولش» می داند. همچنین در اینجا کمک به پیامبر، کمک به خود خداوند - یعنی کمک به خاطر خداوند - شمرده شده است.

دومین آیه، مؤمنان را به یاری خداوند تشویق می کند تا خداوند نیز آنان را یاری کند:
«للفقراء المهاجرین الذین أخرجوا من دیارهم و أموالهم یبتغون فضلاً من الله و رضواناً و ینصرون الله و رسوله أولئک هم الصادقون» حشر/۸

برای بینوایان از مهاجران است که از خانه و کاشانه هاشان و ملک و مالهاشان رانده شده اند، و در طلب بخشش و خشنودی خداوندند و [دین] خداوند و پیامبر او را یاری می دهند؛ اینانند که راستگویانند.

«یا ایها الذین آمنوا إن تنصروا الله ینصرکم و یثبت أقدامکم» محمد/۷
ای کسانی که ایمان آورده اید اگر [دین] خدا را یاری دهید، شما را یاری می دهد و گامهاتان را استوار می دارد.

بنابراین روشن است که واژه «نصاری» از یک واژه اصیل به احتمال قوی آرامی گرفته شده است که به معنای «انصار» در عربی است و با نام «الله» به کار رفته به معنای «یاران خدا» است.

هم زمان با قرآن، مردم عرب زبان شبه جزیره عربستان واژه های «نصرانی» و «نصاری» را به عنوان یک نام برای مسیحیان به کار می بردند. اعراب نسبت به معنای واقعی این واژه ها بی اطلاع بودند، زیرا این واژه ها نه تنها در زبان عربی آن زمان وجود نداشت، بلکه زمینه های تاریخی شان نیز ناشناخته بود. قرآن برای عربها، پرده از راز و رمزی برداشت که آنها و اجدادشان از آن رمز خبری نداشتند. این سرّ فقط به عربها محدود نمی شد، بلکه همه مسیحیان و یهودیانی را که ارتباطشان با انجیل - کتابی که خداوند بر عیسی فرو فرستاد و در آن مسیحیان را «نصاری» یا «انصار الله» نامید - قطع شده بود، نیز در بر می گرفت. این بی خبری به وسیله خود انجیل متّی تأیید و امضاء شد که ریشه شناسی اشتباهی از واژه «نصارا» می دهد. نویسندگان دیگر انجیل، تلویحاً اشتقاق نصاری از ناصر را قبول دارند؛ همچنان که بیشتر مسیحیان نیز ادّعای انجیل را مبنی بر اینکه «ناصری» نام عیسی است، می پذیرند.

طبق حادثه ای که در آیات (آل عمران/۳ و صف/۱۴) توصیف شده است، عیسی، نامی را که خداوند پیش تر در انجیل به پیروانش داده بود یادآور می شود. از این رو هنگامی که از آنان می پرسد که چه کسانی انصار وی در راه خدا هستند، حواریونش به وی پاسخ می دهند که آنها «یاران و انصار خدا» هستند.

قابل توجه آن که خداوند، نه تنها معاصران عیسی را بلکه همه پیروان او را با چنین عبارتی توصیف می کند:

«آنهایی که گفتند ما نصارا هستیم.» (مائده/۴ و ۸۲)

این در حقیقت اشاره ای است به حادثه اصلی یادشده در آیات (آل عمران/۳ و صف/۱۴) که بیان می دارد؛ هر شخصی که خودش را به عنوان یک «نصارا» اعلام می کند در حقیقت با این ادعا به طور ضمنی بیان می کند که او همان سوگندی را خورده است که حواریون عیسی خورده اند؛ آن گاه که خود را بعد از عیسی به عنوان انصارالله اعلام کردند.

در اینجا باید توجه کنیم که برخی نویسندگان لازم دانسته اند معنایی دینی برای واژه نصارا در نظر گیرند و نه فقط معنایی که نصارا را به ناصره مرتبط می سازد. «مور» تعدادی از این پیشنهادها را ریشه شناسی را ذکر کرده است. مثلاً او یک نظریه قدیمی را در مورد آیه ۲۳ باب ۲ متی ذکر می کند و بیان می دارد که «عیسی، ناصری نامیده شد، نه تنها به خاطر اینکه خانه اش در ناصره بود، بلکه به خاطر اینکه او منجی بود» (مور، ۱۹۶۰/۴۳۰). اگر چه، ما قبلاً نشان داده ایم که نصارا واقعاً نام عیسی نبوده بلکه نام پیروانش بود.

حال، چگونه توضیح مغالطه آمیز ریشه شناسی نصارا، در متی ذکر شده است؟ حقیقت آن است که این ریشه شناسی با تصویری نادرست نسبت به نصارا به عنوان نام عیسی در هم تنیده شده است. نویسندگان آن انجیل خاص، شبیه دیگر نویسندگان کتابهای انجیل، چندین دهه بعد از زمان عیسی کتابش را تألیف کرد. تا آن هنگام، واژه «نصارا» نامی برای پیروان عیسی بود، اما بسیاری از جزئیات دین عیسی از دست رفته بود، به خاطر این حقیقت که انجیل دیگر برای بیشتر مردم در دسترس نبود. زمینه تاریخی نام پیروان عیسی «نصارا»، یک بخش از اطلاعاتی بود که برای بیشتر مردم و نیز نویسندگان متی دست نیافتنی شده بود. اما متی به این نتیجه رسید که شباهت بین واژه نصارا و نام شهر ناصره خیلی نزدیک است، به گونه ای که نمی توان گفت این شباهت اتفاقی است. بنابراین، او به سادگی گمان کرد که نصارا باید از ناصره مشتق شده باشد؛ نام شهری که تصور می شود عیسی در آن زندگی کرده است.

اکنون دانستیم که هرگز نصارا از ناصره مشتق نشده بود. نیز دانستیم که شباهت بین نصارا و ناصره یک تقارن و اتفاق تنها نبود؛ چیزی که نویسندگان انجیل نیز یادآور شده اند. در این میان ما می مانیم و نتایج بسیار جذاب و دل انگیز؛ از آن جمله اینکه «ناصره» در حقیقت نامش را از واژه «نصارا» گرفته است و نه از راه های دیگری که در انجیل آمده است. اگر آن شهر در واقع کم اهمیت بود، همچنان که بیشتر محققان پذیرفته اند، پس می توانست به راحتی نام «ناصره» را کسب کند تا شهر «نصارا» بشود. این بدان معنی است که نام قدیمی این شهر می بایست در منابع قدیم ذکر می شده است. اینک هیچ مدرکی در دست نیست تا این نظریه عده ای از محققان را تأیید کند که سکوت نویسندگان قدیمی در مورد ناصره نشان می دهد که این شهر بعداً تأسیس شده بود.

۲. ریشه شناسی انجیل

ممکن است برخی تعجب کنند که هر چهار انجیل نسبت به ریشه شناسی واژه نصارا کاملاً اشتباه کرده اند. اما باید یادآور شویم که در چهار انجیل اختلاف و آشفتگی بسیار است عجیب آن که کما

بیش، ناآگاهی گسترده در باره معنای کامل خود واژه «انجیل» وجود دارد. هر چند قرآن معنای این واژه را برای ما توضیح می دهد.

کلمه انگلیسی **Gospel** که به معنای «بشارت، مژده» است به عنوان ترجمه یونانی واژه **Evayye iovi** مشهور شده است. با این حال، پژوهشگران تلاش کرده اند تا ریشه شناسی قانع کننده ای برای این واژه در فضای اندیشه مسیحیان پیدا کنند. از طرف دیگر، قرآن ما را به سوی پاسخ به این پرسش راهنمایی می کند؛ هنگامی که می گوید: خداوند بر عیسی کتابی به نام انجیل نازل کرد:

«وقفینا علی آثارهم بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیہ من التوراء و آتیناه الإنجیل فیہ ہدی و نور و مصدقاً لما بین یدیہ من التوراء و ہدی و موعظۃ للمتقین» مائده/۴۶

و به دنبال ایشان عیسی بن مریم را فرستادیم که گواهی دهنده بر [حقانیت] تورات بود که پیشاپیش او بود، و به او انجیل را دادیم که در آن نوری هست و همخوان با تورات است که پیشاپیش آن [نازل شده] است؛ و راهنما و پندآموز پارسایان است.

این روشن است که «انجیل» همان کلمه یونانی **Evayye iovi** است و بنابراین به معنای «بشارت» است. آیه زیر توضیح می دهد چرا کتاب عیسی «بشارت» بود:

«و إذ قال عیسی ابن مریم یا بنی اسرائیل انّی رسول اللہ الیکم مصدقاً لما بین یدی من التوراء و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمہ أحمد فلما جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین» صف/۶

و چنین بود که عیسی بن مریم گفت ای بنی اسرائیل من پیامبر خداوند به سوی شما هستم، [او] استوار دارنده توراتی که پیش روی من است و بشارتگر به پیامبری که پس از من می آید و نامش احمد است؛ و چون برایشان پدیده های شگرف آورد، گفتند این جادوی آشکار است.

این آیه آشکار می کند که کتاب عیسی نامش را از این حقیقت کسب کرده است که «بشارتی» درباره نبوت آینده حضرت محمد آورده است. نام «احمد» در آیه بالا یکی از نامهای حضرت محمد است؛ هر دو نام احمد و محمد همان معنای «شخص ستایش شده» را دارند.

آوردن «بشارت» درباره حضرت محمد و تصدیق منشأ الهی تورات، اهداف اصلی عیسی بودند. تصدیق منشأ الهی تورات، آن قدر در نبوت عیسی اساسی و محوری بود که خداوند کتابی را که بر عیسی فرو فرستاد بعد از آن ذکر کرد.

کتابی که در حقیقت نامش به معنای «بشارت درباره حضرت محمد» است باید جزئیات زیادی درباره حضرت محمد داشته باشد. البته قرآن بدین نکته پرداخته است:

«الذین یتبعون الرسول النبّی الأمّی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراء و الإنجیل یأمرهم بالمعروف و ینہامهم عن المنکر و یحلّ لهم الطیبات و یحرّم علیهم الخبائث و یضع عنهم إصرهم و الأغلال الّتی کانت علیهم فالذین آمنوا به و عزّروه و نصرّوه و اتّبعوا النور الذی أنزل معه أولئک هم المفلحون» اعراف/۱۵۷

کسانی که از فرستاده و پیامبر امی پیروی می کنند که نام [او نشان] او را در تورات و انجیل که در نزد ایشان است نوشته می یابند، [همو] که آنان را به نیکی فرمان می دهد و از ناشایستی باز می دارد، و از آنان قید و بندهای [پیمانهای] سنگین را که بر آنان مقرر شده بود بر می دارد، و کسانی که به او

ایمان آورده و او را گرامی داشته و یاری کرده اند و از نوری که همراه او نازل شده پیروی می کنند، اینان رستگاری دارند.

«محمد رسول الله و الذين معه أشدء على الكفار رحماء بينهم تراهم ركعاً سجداً يبتغون فضلاً من الله و رضواناً سيماهم في وجوههم من أثر السجود ذلك مثلهم في التوراة و مثلهم في الإنجيل كزرع أخرج شطأه فأزره فاستغلف فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و أجراً عظيماً» فتح/۲۹

محمد پیامبر الهی است و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیر و با خودشان مهربانند؛ آنان را راکع و ساجد بینی که در طلب بخشش و خشنودی خداوندند؛ نشانه آنان در چهره هاشان از اثر سجود [آشکار] است؛ و این است توصیف آنان در تورات؛ و توصیف آنان در انجیل هست، همانند نهالی که جوانه اش را برآورد، و آن را نیرومند سازد و ستبر گردد و بر ساقه هایش بایستد، و کشاورزان را شاد و شگفت زده سازد، تا از [دیدن] ایشان کافران را به خشم آورد؛ خداوند به کسانی از ایشان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.

قابل توجه است که در خود چهار انجیل، مطلبی به چشم نمی خورد تا با این استنباط که واژه Gospel «انجیل» به معنای «کتاب» است، مخالفت کند.

در ترجمه کینگ جیمز از عهد جدید، واژه Gospel پنج بار در انجیل متی آمده است (۲۶/۱۳، ۲۴/۱۴، ۱۱/۵، ۹/۳۵ و ۴/۲۳) شش بار در مرقس (۱۶/۱۵، ۱۴/۹، ۱۳/۱۰، ۱۵، ۱/۱۴ و ۱/۱) و چهار بار در لوقا (۲۰/۱ و ۹/۶ و ۷/۲۲ و ۴/۱۸). ممکن است عجیب به نظر برسد که این واژه هرگز در انجیل یوحنا نیامده است! اگر چه آنچه برای ما در اینجا مهم است، این حقیقت است که این واژه در پانزده حادثه گوناگون در اناجیل به کار رفته است. بدین رو مشکل است که «انجیل» را به عنوان «مفهوم» برخی از آن موارد بدانیم و در عوض آن، پیشنهاد کنیم که «انجیل» یک «چیز» است. علاوه بر این، این حقیقت که انجیل دوازده مرتبه به عنوان چیزی توصیف شده که به وسیله خود عیسی «مثل: متی، ۹/۳۵ و ۴/۲۳) یا یارانش (مثل: مرقس، ۱۶/۱۵ و لوقا، ۹/۶) موعظه شده است، قویاً حاکی از آن است که برای نویسندگان چهار انجیل، یقین حاصل شده بود که این واژه را به عنوان اشاره به «کتاب» به کار می بردند. در سه مورد که واژه Gospel در اناجیل آمده است. مرقس آن را در یک جا به معنای چیزی که باید بدان ایمان آورد (مرقس، ۱/۱۵) و جای دیگر به «منتشر شده در میان همه ملتها» (مرقس، ۱۳/۱۰) توصیف کرده است و آن را در اولین جمله کتابش این گونه ذکر می کند: «آغاز انجیل عیسی مسیح» (مرقس، ۱/۱۱).

هشت مورد از مواردی که Gospel در دیگر اناجیل به کار رفته بسیار گیج کننده است. اگر چه بیشتر موارد کاربرد این واژه در این اناجیل سه گانه با هم هماهنگ است، اما بیشتر موارد آن به عنوان چیزی که می تواند «موعظه» باشد، توصیف شده است. موارد دیگر واژه Gospel به بخشی از کتاب رسولان بر می گردد، به واقعه ای که غیر یهودیان باید «بشنوند» و «ایمان بیاورند». (اعمال رسولان، ۱۵/۷)

بنابراین، روشن است که واژه Gospel در چند جا به عنوان معنی یا اشاره به «کتاب» پنداشته شده که کمتر مورد سوء استفاده قرار گرفته است. در حقیقت واژه «اناجیل» به کار رفته است تا به

ابتدای چهار کتاب انجیل اشاره کند. به عبارت دیگر، کاربرد واژه "Gospel" در خود چهار انجیل و تمام اناجیل با وحی قرآنی مطابق است که اصطلاح انجیل - یعنی Gospel در انگلیسی - واقعاً نام یک کتاب بود؛ همان کتابی بود که خداوند بر پیامبرش عیسی فرو فرستاد.

۳. «شام آخر» یا «مائده آسمانی»

واژه «تصارا» و «انجیل» از جمله مواردی است که توسط نویسندگان اناجیل به طور جداگانه مورد بررسی قرار نگرفته است، مانند هم ردیفان که اطلاعات درست و غلط تورات را درهم و آمیخته نوشتند. مثالهای شبیه دیگر نیز بسیار است. نمونه استثنایی و جالبی که نویسندگان اناجیل تحریف کردند، سرگذشت عیسی یا به اصطلاح «شام آخر» است. چهار انجیل، به میزان زیادی در تفصیل و شرحشان نسبت به حادثه شام آخر اختلاف دارند. البته تضاد بین اناجیل، در اینجا به ما ربطی ندارد. بنابراین ما به شرح و معرفی کسی بسنده خواهیم کرد که آن شام را ترتیب داده بود:

«روز اول عید، که تمام خانه های یهودی ها از زمانی که با خمیرترش درست شده بود پاک می شد، شاگردان عیسی پیش او آمده پرسیدند: «شام مخصوص عید را کجا آماده کنیم و بخوریم؟» (۱۷) او جواب داد که به شهر بروند و به فلان شخص بگویند: «استاد ما می گوید وقت من رسیده است، و من و شاگردانم در منزل شما شام می خوریم» (۱۸) شاگردان اطاعت کردند و شام را در آنجا حاضر کردند. (۱۹)» (متی، ۱۹-۲۶/۱۷)

«روز اول عید که مردم گوسفند قربانی می کردند، شاگردان عیسی پرسیدند: «کجا می خواهید برویم و شام عید قربان را بخوریم؟» (۱۲) عیسی دو نفرشان را به شهر اورشلیم فرستاد تا شام را حاضر کنند و گفت: «همین طور که می روید، یک نفر را می بینید که به طرف شما می آید، یک کوزه آب هم در دستش است. دنبالش بروید. (۱۳) به هر خانه ای داخل شد، به صاحب آن خانه بگویید: استادمان ما را فرستاده است تا اطاقی را که برای ما حاضر کرده اید تا امشب شام قربان را بخوریم، بینیم. (۱۴) او شما را به طبقه دوم به یک اطاق بزرگ و مرتب می برد. سفره را همان جا بیندازید. (۱۵) پس آن دو شاگرد به شهر رفتند و همان طور شد که عیسی گفته بود. پس شام را حاضر کردند.» (مرقس، ۱۶-۱۴/۱۲)

«روز عید قربان فرا رسید. در این روز می بایست بره قربانی را ذبح کرده با نان فطیر بخورند. (۷) عیسی، پطرس و یوحنا را جلوتر فرستاد تا جایی پیدا کنند و در آنجا شام عید را حاضر نمایند. (۸) آنها از عیسی پرسیدند: میل دارید شام را کجا آماده کنیم؟ (۹) جواب داد: همین که وارد اورشلیم شدید، مردی را می بینید که یک کوزه آب به دست گرفته است. دنبال او به خانه اش بروید، (۱۰) و به صاحب خانه بگویید: استاد ما، ما را فرستاده است تا اطاقی را که باید شام عید را در آنجا صرف کنیم به ما نشان دهید. (۱۱) او هم شما را به یک اطاق بزرگ در طبقه دوم می برد که قبلاً برای ما حاضر شده است. همانجا شام را حاضر کنید. (۱۲) آن دو شاگرد به شهر رفتند و هر چه عیسی گفته بود، همان طور شد. پس شام را حاضر کردند.» (۱۳) (لوقا، ۱۳-۲۲/۷)

«بالآخره شب عید قربان فرا رسید و عیسی با شاگردان خود سرشام حاضر شد. عیسی می دانست که این آخرین شب عمر او بر زمین است و بزودی پیش خدای پدر به آسمان بر می گردد. شیطان که

یهودای اسخریوطی پسر شمعون را از قبل فریب داده بود تا به عیسی خیانت کند، در وقت شام به فکر او انداخت تا در همان شب نقشه خود را عملی کند.» (یوحنا، ۲-۱۳/۱)

این نمونه آشکار دیگری از ناهمسازی میان اناجیل است؛ در حالی که مرقس و لوقا به توصیفات بسیار شبیه در مورد این حادثه تصریح کرده اند، متی و یوحنا مطالب بسیار متفاوتی ارائه کرده اند که مرقس و لوقا پیرامون این حادثه بازگو نکرده اند. خداوند حقیقت این حادثه را در قرآن، در آیات زیر بیان می کند:

«إذ قال الحواریون یا عیسی ابن مریم هل یستطیع ربک أن ینزل علینا مائدة من السماء قال اتقوا الله إن کنتم مؤمنین. قالوا نرید أن نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم أن قد صدقتنا و نکون علیها من الشاهدین. قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا أنزل علینا مائدة من السماء تكون لنا عیداً لأولنا و آخرنا و آیه منک و ارزقنا و أنت خیر الرزقین. قال الله إتی منزلها علیکم فمن یکفر بعد منکم فإتی أعدبه عذاباً لا أعدبه أحداً من العالمین»

مائده/۱۱۲-۱۱۵

و چنین بود که حواریون گفتند ای عیسی بن مریم، آیا پروردگارت می تواند برای ما مائده ای از آسمان نازل کند؟ گفت اگر مؤمنید از خداوند پروا کنید. گفتند می خواهیم از آن بخوریم و دلهامان آرام گیرد و بدانیم که به ما راست گفته ای و خود از گواهان آن باشیم. عیسی بن مریم گفت بار پروردگارا برای ما مائده ای از آسمان نازل فرما که عیدی برای امروزیان و آیندگانمان و معجزه ای از تو باشد، و به ما روزی ببخش که تو بهترین روزی دهندگانی. خداوند گفت من فرو فرستنده آن بر شما هستم، ولی پس از آن اگر کسی از شما انکار ورزد او را به چنان عذابی دچار می سازم که هیچ یک از جهانیان را عذاب نکرده باشم.

فرو آمدن مائده ای از آسمان در پاسخ به خواهشی از سوی یارانش، معجزه دیگری از حضرت عیسی است که در انجیل از آن سخنی به میان نیامده است. چهره واقعی داستان «شام آخر» در انجیل، این حادثه است.

۴. نتیجه

بر خلاف کتاب مقدس تورات و انجیل که پر از اطلاعات اشتباه، غلط و ناهمساز هستند، قرآن از دقت شگفت و استواری برخوردار است. ما در این مقاله دو مثال جالب و استثنایی را که نشانگر این واقعیت هستند مورد مطالعه قرار دادیم که عبارتند از ریشه شناسی واژه های نصارا و Gospel و لوازم تاریخی آنها. اطلاعات مطرح شده در انجیل، شگفتی و استواری ندارند، چه رسد به اینکه قانع کننده نیز باشد. نیز ممکن است این اطلاعات با حقایق تاریخی مشهور ناسازگار باشد. نتیجه همه مباحث بالا این است که جنبه های مهم تاریخی حضرت عیسی تحریف شده است.

از سوی دیگر، قرآن ریشه شناسی درستی برای واژه های «نصارا» و «انجیل» پیشنهاد می کند. اطلاعات قرآنی بر حقایق تاریخی مربوط به حضرت عیسی(ع) پرتو افکنده است که از طریق منابع دیگر نمی توان بدان دست یازید. این اطلاعات و لوازم تاریخی شان با آیات قرآن و حقایق تاریخی رسمی توافق دارند. نیز دیدیم که حادثه «شام آخر» در اناجیل در حقیقت یک روایت تحریف شده از یک واقعه کم و بیش متفاوت است.

نکته مهم درباره تفاوت طبیعی کتاب مقدس و قرآن این است که هر چه کتاب مقدس بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد نقاط ضعف آن بیشتر آشکار می شود، درحالی که قرآن هر چه بیشتر مورد بررسی قرار می گیرد تحریف ناپذیری آن بیشتر نمایان می شود. بهترین سخن پایانی برای این مقاله، آیه قرآنی زیر است که بر حقیقت بالا تأکید می کند:

«أفلايتدبرون القرآن و لوكان من عند غيرالله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» نساء/۸۲

آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند؟ و اگر از نزد کسی غیر از خدا بود در آن اختلاف بسیار می یافتند.

اصل این مقاله به زبان انگلیسی بوده و عنوان آن چنین است:

The Qur'anic Etymologies of "NAZARENE" and "GOSPEL" and their historical implications

این مقاله بر اساس مطالب کتابمان با عنوان «پیشینه تاریخی بنی اسرائیل، تحریف ناپذیری قرآن را اثبات می کند» (مالزی، نور دین، ۱۹۹۹م) به رشته تحریر درآمده است.

References

Cullamnn, O. (1962). Nazarene. In: The Interpreter's Dictionary of the Bible: An Illustrated Encyclopedia, K-Q, New York: Abingdon Press, 523-524

Davies, W.D. & Allison, D.C. (1988). A Critical and Exegetical Commentaary on the Gospels According to Saint Matthew, wol. 1: Introduvtion and Commentary to Matthew, Ddinburgh: T. & t. Clark Limited

Fatoohi, L & Al-Dargazelli, S (1999). History Testifies to the Infallibility of the Qur'an: Early History of the Children of Israel, Malaysia, A.S. Noordeen (Also available for free download from <http://www.Quranic-studies.com>)

Moore, G. F. (1920). Nazarene and Nazareth. In: F.J. Foakes Jackson & K. Lake (eds.), The Beginnings of Christianity, Part I, vol. 1: Prolegamena I; the Acts of the Apostles, London: Macmillan & co., 426-432

Pellett, D.C. (1962). Nazareth. In: The Interpreter's Dictionary of the Bible: An Illustrated Encyclopedia, K - Q New York: Abingdon Press, 524-526

Theissen, G. & Mertz, A. (1998). The Historical Jesus: A Comprehensive Guide, translated from German by John Bowden, London: SCM Press

.Helms, R. (1989). Gospel Fictions, New York: Prometheus Books

